

سلسلہ دروس خارج

اصول فقہ

جلسہ :

۴۲

تاریخ :

۱۸/۱۰/۸۹

استاد پیدہ حسن خمینی

موضوع : تعریف علم اصول

(فروہ بین قواعد فقہی و مسائل اصولی)

۸
نظریه دوم
مرحوم نائینی

قواعد فقهی: «نتیجه قیاسی که کبرای آن قاعده فقهی است، حکم جزئی
است»
قواعد اصولی: «نتیجه قیاسی که کبرای آن قاعده اصولی است، همیشه یک
حکم کلی است»

مثال

قواعد فقهی

هذه صلاة + لا تعاد الصلاة الا من خمس
= لا تعاد هذه الصلاة من خمس

قواعد اصولی

طهارة العصير العنبي مستحبة + و الاستصحاب حجة
= طهارة العصير العنبي حجة

اشکال

جریان اصول عملیه در شبّهات موضوعیه، همیشه یک **حکم جزئی** را پدید می آورد:

قیاس : هذه الطهارة مستصحبةً (صغرى)

الاستصحاب حجةً (كبرى)

= هذه الطهارة حجة (نتیجه)

قواعد فقهی: «مطلوب بالذات است (= استقلالی)»
قواعد اصولی: «مطلوب بالذات نیست (= آلی) : برای رسیدن به
قضایای دیگر است»

۹
نظریه مرحوم
امام خمینی

تمام قواعد فقهی، مستقیماً حکم شرعی هستند یا تقیید و توسعه
ای در احکام می دهند

۱

دو
نکته

خروج موارد زیر از علم اصول :
«اصالة البرائة + اصالة الحلیة + اصالة الطهارة»
چراکه مستقیماً، حکم شرعی را به وجود می آورند

۲

ان قلت : قضایای اصولی، مضمن «حجیت» هستند که یک حکم شرعی است
قلنا : حضرت امام حجیت را از احکام وضعی نمی دانند که در جای خود بحث
خواهیم کرد

اشکال

بسیاری از مسائل علم اصول، همانند قواعد فقهیه، مطلوب بالذات هستند
مثلا : استصحاب و احتیاط، حکم الهی هستند برای «شاک»

اللهم الا أن يقال :

احکام الهی دو دسته اند :

مستقل + آلی

اشکال :

ایشان اصل برائت را با اینکه حکمش آلی است از علم اصول خارج کرده اند.

جمع بندی

پذیرفتن دو نظریه :

۱. نظریه مرحوم آخوند

(قاعده اصولی : جاری در همه ابواب

قاعده فقهی : جاری در بعضی از ابواب)

۲. نظریه حضرت امام

(قاعده اصولی : آلت برای رسیدن به احکام شرعی که بالذات مورد نظر شارع

است

قاعده فقهی : بالذات خود حکم مطلوب شارع هستند)